

پست مدرنیسم و سازمانهای فراصنعتی

عسگر نوربخش آقبلاغ*

چکیده

تحولات اخیر غرب در زمینه‌های فکری باعث تغییراتی در زمینهٔ تکنولوژی، ساختار اجتماعی، فرهنگ و ماهیت کار سازمانها شده است. به جای سازمانهای صنعتی عصر مدرنیسم، سازمانهای فراصنعتی جایگزین شده که با تنوع، عدم اطمینان، پیچیدگی، از بین رفتن مرزهای سازمانی، مهارتهای متکی بر دانش و تأکید هرچه بیشتر بر یادگیری همراه با گرایشهای بین‌المللی و جهانی روبه‌روست. با توجه به این مسائل، در این نوشته سعی شده است با ارائه سیر این تحولات فکری، گوشه‌هایی از ویژگیهای سازمانهای فراصنعتی در عصری که عصر اطلاعات نام گرفته است، مطرح شود.

* این مقاله به کوشش آقای علیرضا منصوری همکار گروه فلسفه و مبانی نظری علوم انسانی پژوهشکده علوم انسانی ویرایش علمی و تکمیل شده است.

مقدمه

در هر دوره‌ای تحولات فکری جوامع باعث ایجاد تحولات اجتماعی شده است به گونه‌ای که بر تمام بخشهای جوامع همچون گروه‌ها، نهادها، سازمانها و حتی تفکرات افراد تأثیرگذار بوده است. در دهه‌های اخیر، تفکرات مدرنیسم، که در سده‌های اخیر مبنای فکری مسائل جوامع غربی بوده، با تغییرات و تحولاتی روبه‌رو شده است و منتقدانی چون لیوتار، فوکو، دریدا و بوردیا هر یک به شکلی میراث مدرنیته را با نقد بنیان‌برانداز خویش به جدال خوانده‌اند. همگام با این تحولات، سازمانها نیز براساس این مبانی فکری در زمینه‌هایی از قبیل ساختار، محیط، تکنولوژی و... با تحولاتی روبه‌رو بوده‌اند. با توجه به این مسائل در این مقاله سعی شده است تا گوشه‌هایی از موقعیت دنیای پست‌مدرن و بویژه تأثیر آن بر سازمانها و مدیریت مطرح شود. اگر چه ارائه تصویری واضح از دنیای پست‌مدرن، مستلزم مطالعات فراوان و بررسی افکار و اندیشه‌های دنیای غرب است، تا آنجا که امکان داشته در این مقاله سعی شده است با استفاده از متون فارسی و لاتین تصویر آشکاری از پست‌مدرن و سازمانهای فراصنعتی ارائه شود و چون فهم پست‌مدرنیسم تا حدود زیادی مسبوق به فهم سنت و مدرنیسم است، سعی شده است ابتدا ضمن مرور ویژگیهای جوامع سنتی و مدرن، تعریف دقیقی از PostModernism ارائه شود.

تحول اجتماعی یا تحول فکری؟

قبل از ورود به بحث پست‌مدرنیسم و سازمانهای فراصنعتی، ابتدا مشخص می‌شود که دنیای پست‌مدرن شامل چه نوع تحولاتی است. اصولاً در جوامع دو نوع تحول وجود دارد: الف) تحولات اجتماعی ب) تحولات فکری.

الف) تحولات اجتماعی

تحولاتی است که همه مردم را وارد نظام پرتکاپوی اجتماعی، و برای آنها حق و حقوق خاصی ایجاد می‌کند.

ب) تحولات فکری

به فرایندهای اندیشه‌سازی گفته می‌شود که ایدئولوژی عصر، و زمینه‌ساز بروز تحولات اجتماعی است. تحول فکری مقدمه‌ای برای تحولات اجتماعی است؛ برای مثال مدرنیسم که تحول فکری به‌شمار می‌رود باعث ایجاد لیبرالیسم (که تحول اجتماعی به‌شمار می‌رود) شد. تحولات فکری، تحولاتی است که وقتی به‌وقوع می‌پیوندد کل جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌هد. پست مدرنیسم هم طبق این تعریف تحول فکری به‌شمار می‌رود. جدول زیر فهم این تحولات را روشنتر می‌سازد:

شکل (۱): تقسیم‌بندی تحولات فکری

تحولات فکری	تقسیم‌بندی کشورها از نظر صنعت	تقسیم‌بندی الوین تافلر	مراحل توسعه اقتصادی از نظر روستو
۱- سنت ←	توسعه نیافته ←	موج اول ←	چارچوب سنتی ←
۲- سنت و مدرن ←	در حال توسعه ←	←	پیش شرطهای خیزش ←
۳- مدرن (مدرنیسم) ←	صنعتی ←	موج دوم ←	مرحله خیزش اقتصادی ←
←	←	←	نیل به بلوغ ←
۴- پست مدرن ←	فراصنعتی ←	موج سوم ←	مرحله مصرف انبوه ←

سیری بر تحولات فکری و صنعتی

۱- جوامع سنتی

روستو برای جوامع سنتی دو ویژگی ارائه می‌کند:

- انسان در نظام سنتی مقابل سرنوشت اراده‌ای ندارد.

- انسان در بهره‌گیری از طبیعت با قناعت عمل می‌کند چون جزئی از آن است، ولی

در نظامهای صنعتی، طبیعت برایش منبعی است که باید آن را استثمار کند.

موج اول: موج اول (۱) با انقلاب کشاورزی شروع می‌شود و افراد بشر که به

صورت گروه‌های کوچک و غالباً مهاجر می‌زیستند رو به کشاورزی آورده، در نتیجه،

روستاها و زمینهای زراعتی شکل می‌گیرد. موج اول تا پایان قرن ۱۷ طول کشید و بعد از آن انقلاب صنعتی همه اروپا را دربر گرفت و دومین موج جهانی را به راه انداخت. در طبقه‌بندی صنعتی کشورها در موج اول به جوامع سنتی، جوامع توسعه‌نیافته می‌گویند.

۲- سنت و مدرن

سنت و مدرن به این دلیل در این طبقه‌بندی چهارگانه گنجانده شده است که کشورهایی در حال گذر از سنت به جوامع مدرن هستند. به این کشورها اصولاً کشورهای در حال توسعه می‌گویند. روستو که مراحل پنجگانه را برای توسعه اقتصادی مطرح می‌کند در این مرحله، ضمن طرح «پیش شرطهای خیزش»، می‌گوید در این مرحله، دنیا در ذهن انسان طراحی نوینی پیدا می‌کند یعنی انسان از علائق و خواسته‌های خویش برداشت جدید می‌کند و آماده ورود به مرحله خیزش اقتصادی می‌شود (۲).

۳- مدرن (مدرنیسم)

مدرنیسم یعنی به کارگیری ابزار و ادوات مدرن که به منزله تقلیدی از طبیعت، و صرفاً به منظور سیطره سلطه بیشتر بر طبیعت و سهولت انجام دادن اعمال انسانی است. ماکس وبر مدرنیته را «افسون‌زدایی»^(۱) می‌خواند یعنی از نظر دور داشتن هر چیز «نابخردانه» و هر عنصر پیش‌بینی‌ناپذیر و رازآمیز به هر شکلی که روی نماید (۳).

روستو می‌گوید این مرحله «مرحله خیزش اقتصادی» است یعنی به کارگیری تمامی امکانات در جهت بهبود اوضاع اقتصادی و تولیدی و در مرحله بعدی «نیل به بلوغ» را مطرح می‌کند؛ یعنی توانایی خودکفایی در صنعت، تکنولوژی و ایجاد علم مرتبط با آن. الوین تافلر از این مرحله با نام موج دوم یاد می‌کند که از قرن ۱۷ به بعد با انقلاب صنعتی در اروپا شروع شده است و شش ویژگی برای تمدن صنعتی مدرن مطرح می‌کند (۴):

استانداردسازی؛ تخصصی کردن؛ همزمان‌سازی، یعنی زمان مساوی است با پول که

باید از آن استفاده کرد؛ تراکم انرژی، جمعیت، کار و سرمایه، بیشینه‌سازی و نوعی شیفتگی به بزرگی و رشد و تمرکز اقتصادی و قدرت.

۴- پست مدرن (۲)

اینکه نخستین بار چه کسی یا گروهی از اصطلاح پست مدرن استفاده کرده، از نظر نویسندگان پست مدرن به اواخر قرن ۱۹ برمی‌گردد. اما در ربع آخر قرن بیستم است که اندیشه پست مدرنیسم (فرامدرن، فراتجدد) میداندار عرصه تفکر شده است و وضع روحی، فکری و اخلاقی دوران اخیر غرب را شکل می‌دهد.

همانطوری که مدرنیته براساس نقد سنتها شکل گرفت، پست مدرن هم براساس نقد مدرنیته شکل گرفته است. استفاده‌های بیشتر از اصطلاح پست مدرنیسم به سبکهای معماری مربوط می‌شود که در اواسط تا اواخر قرن بیستم ظهور یافت به گونه‌ای که توسط معمار آمریکایی، چارلز جنکز در کتابش در سال ۱۹۷۷ با عنوان «زبان معماری پست مدرن» مطرح شد (۵). پست مدرنها عقیده دارند که معماری مدرنیستها دارای سبک اصول‌گرایی (کلاسیک) و خشک و بی‌روح است. به نظر می‌رسد معماران پست مدرن در ساختار فیزیکی ساختمانها به دنبال تجدید سنتهای ساختمان‌سازی به‌طور نمادین و مفهوم‌دار به وسیله استفاده از سبکهای گذشته و کارآمد کردن آنها در استفاده مناسب و تکنیکهای ساختمان‌سازی هستند که از نهضت اصولگرایی الهام شده است؛ یعنی آنها تکنیکهای مدرن را با علاقت سنتی برای ایجاد مفاهیم سمبلیک ترکیب می‌کردند. به علاوه، معماران پست مدرن از روشهای بناهای مدرن استفاده می‌کردند که به آنها اجازه می‌داد چندین روش را برای ایجاد یک سبک جالب کنار هم بگذارند و احساس جالبی بویژه به وسیله استفاده از خوش طبعی ایجاد کنند؛ برای مثال سردر ساختمان آژانس تبلیغاتی چیات دی در لوس آنجلس یک دوربین بزرگ را نمایش می‌دهد.

پست مدرن در کل در مرحله گذر از مفاهیم بنیادی و آرمانها و چشم‌اندازهایی است که از قرن هجدهم، هدایتگر تمدن مدرن غربی بوده است. پست مدرن سنتزی از سنت و

مدرنیسم است؛ محصول پیچیده‌ای از حال و گذشته است؛ برای مثال در پست مدرن احتمالاً محیط کار به داخل خانواده‌ها آورده خواهد شد و این خود باعث مستحکم شدن بنیان خانواده غربی خواهد شد.

یکی از جنبه‌های مشخص پست مدرن، تشابه آن با جامعه فراصنعتی است، اما قبل از ورود به این بحث بهتر است نگاهی گذرا به عوامل و منابع اثرگذار در نظریه سازمانی در دیدگاه‌های مختلف بیفکنیم.

تعدادی از عوامل اثرگذار که نظریه سازمانی از آنها تأثیر پذیرفته در شکل صفحه بعد نشان داده شده است (شکل شماره ۲) (۶). در بالای شکل، رشته‌های دانشگاهی نشان داده شده است که در شکل‌گیری نظریه سازمان سهیم بوده‌اند و در قسمت پایین نام تعدادی از صاحب‌نظران این رشته‌ها آمده است. توجه کنید که این عوامل مؤثر از علوم طبیعی و اجتماعی به سمت علوم انسانی و هنر است. در قسمت میانی چهار جعبه نشان داده شده است که عبارت است از: کلاسیک، مدرن، سمبولیک و پست مدرن.

جدول در صفحه بعد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل (۲): منابع اندیشه‌های نظریه سازمانی



ممکن است اینجا سؤالی مطرح شود که چه تفاوتی میان نظریه مدیریت کلاسیک و بازگشت به خویشتن پست مدرنها وجود دارد. در پاسخ می توان گفت تفاوت مهمی وجود دارد. مدیران در عصر کلاسیک بر عقلشان، که از فعالیتشان نشأت می گرفت، تکیه می کردند. در روش کلاسیک فکر می کردند مدیران و مالکان سازمان باید صحبت کنند و تأثیر بگذارند. پست مدرنها اعتقاد دارند که نویسندگان و مدیران آنها مسئول آشکار کردن دانستیهای ذهنی و انگیزشها هستند و تعهد به آنها از طرف دیگران تحمیل نمی شود. مدرنیستها می خواهند قدرت در دست مدیریت متمرکز شود در حالی که پست مدرنها گرایش دارند اختیار و قدرت را به وسیله افزایش تعداد سهامدارانی که صدای آنها در فرایند تصمیم گیری به گوش می رسد، منتشر و پراکنده کنند.

پست مدرنیستها به تمایل مدرنیستها برای متحد و یکنواخت کردن نظریه ها (مانند نظریه عمومی سیستمها) با عقایدشان مخالفت می کنند برای اینکه دانش اساساً منفک است یعنی دانش در قطعات و تکه های خیلی متفاوت به وجود آمده است و منطقی نخواهد بود که فرض شود چیزی به یک نظریه منسجم و واحد افزوده نمی شود؛ برای مثال جین تارد، پست مدرن فرانسوی، با لحن استهزاآمیز تلاش برای دانش جهانی را «روایت بزرگ (۷)» لقب داد. چنین القابی بر واقعیت دیدگاه های پست مدرن مانند تعدد، انفکاک و تناقض تأکید می کند. ما نیز نه برای «پذیرش آنها» بلکه برای تشویق شدن به ساده سازی و اینکه بسیاری از اشکال علم را ممکن سازیم باید یاد بگیریم.

«تفکیک» موضوع مناسبی در میان پست مدرنیستهایی است که این مفهوم را به شکستهای جامعه صنعتی در خانواده و جامعه ربط می دهند و نیز تهدیدی که برای خودشناسی در اثر نقشهای مختلفی که باید ایفا کنند به وجود می آید؛ برای مثال «کار از راه دور»^(۳) (کاری که در هر جا می تواند انجام، و به وسیله ارتباطات کامپیوتری به سازمان وصل شود) فاصله بین زندگی کاری و خصوصی را به هم می ریزد. وقتی کارکنان در خانه هایشان کار می کنند اشخاص در نقشهای مشابه و اغلب متناقض کارمند و عضو خانواده قرار می گیرند.

سازمانهای فراصنعتی

طبق اظهارات الوین تافلر در کتاب شوک آینده (۱۹۷۰) بهترین راه برای ملاحظه وسعت تغییرات اجتماعی، که به وسیله تکنولوژی کامپیوتر و «ارتباطات از راه دور»^(۴) اتفاق افتاده، مقایسه آن با تغییرات از جامعه کشاورزی به صنعتی است که در طی انقلاب صنعتی اتفاق افتاده است.

موج سوم تافلر بر این مفهوم بنا نهاده شده که تاریخ بشر دو انقلاب را پست سر گذاشته است: انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی و اکنون در آستانه سومین آن، یعنی انقلاب الکترونیکی قرار گرفته است. همانگونه که انقلاب صنعتی باعث ویرانی ساختارهای نظام کشاورزی شد، این انقلاب هم ساختارهای نظامهای صنعتی را متلاشی کرده یا خواهد کرد و بحران جهان کنونی نیز ناشی از این انتقال پرتنش است.

اولین بار در سال ۱۹۷۳ دانیل بل، جامعه‌شناس آمریکایی در کتابش به پیشرفتهای جدید، نام «فراصنعتی»^(۵) نهاد و به آن جوامع فراصنعتی اطلاق کرد (۸). او می‌گوید در حالی که جوامع صنعتی در تولید کالا به کنترل کار تأکید می‌کنند، جوامع فراصنعتی برای ایجاد دانش و استفاده از اطلاعات سازماندهی شده است.

طبق نظریات بل، جامعه فراصنعتی به وسیله تقاضای اطلاعات، فرایند و توزیع اطلاعات، طراحی و تعریف شده که همه اینها در نتیجه کامپیوتر است.

پیامدهای آینده انقلاب کامپیوتر، که توسط آینده‌نگر، جان نیس بیت (Naisbitt) در کتابش با عنوان «روندهای بزرگ»^(۶) اظهار شده، واگذاری سلسله مراتب به نفع شبکه ارتباطات با تغییر ناشی از ساختارهای عمودی تا افقی سازمانها (۹) است. این مفهوم مزیت اطلاعات، نقطه حرکتی برای بحث بیشتر درباره سازمان فراصنعتی فراهم می‌سازد. بحث سازمان فراصنعتی بویژه شامل مقایسه شکلهای کار و سازمانهاست. برای درک این تغییرات، شکل «۳» بعضی از عقاید ویژه در مورد محیط، تکنولوژی، ساختار اجتماعی، فرهنگ، ساختار فیزیکی، فضا و پیامدهای این تغییر برای ماهیت کار در سازمانها را گروهبندی کرده است.

شکل (۳): مقایسه سازمانهای صنعتی و فراصنعتی

Post-Industrial	فراصنعتی	Industrial	صنعتی
	محیط: • محیط رقابتی • عدم تمرکز سرمایه با احترام به ملتها • تفکیک بازارها و عدم تمرکز بین المللی تولید • افزایش انتخاب و تقاضای مشتری برای کالاهای مشخص • تکثیرگرایی، تنوع، محلی بودن		محیط: • بازاریابی انبوه • استانداردسازی • حرفه گرا
	تکنولوژی: • تولید منعطف و اتوماتیک • استفاده از کامپیوتر برای طراحی، تولید و کنترل موجودی • سیستمهای درست به موقع (JIT) • ستاده • اطلاعات، خدمات		تکنولوژی: • تولید انبوه • یکنواخت • ستاده ← تولید
	ساختار اجتماعی: • اشکال جدید سازمانی مانند شبکه ای، سازمانهای مجازی • سلسله مراتب مسطح با ارتباطات تلفنی • روشهای غیر رسمی تأثیر (مشارکت، فرهنگ، ارتباطات) • عدم انسجام عمودی و افقی • از دست دادن مرزهای بین وظایف، واحدها و سازمانها		ساختار اجتماعی: • بروکراتیک • تأکید بر ارتباطات عمودی و سلسله مراتب • تخصص گرایی • انسجام افقی و عمودی • تأکید بر کنترل
	فرهنگ: • عدم اطمینان، تضاد، مد • ارزشهای سازمانی: کیفیت، خدمات مشتری، تنوع و ابداع		فرهنگ: • ثابت و سنتی • ارزشهای سازمانی: رشد، کارآیی استاندارد کردن، کنترل
	ساختار فیزیکی: • عدم تمرکز مردم • گرایشهای بین المللی و جهانی		ساختار فیزیکی: • تمرکز افراد در شهرهای صنعتی • گرایش ملی و منطقه ای
	ماهیت کار: • پیچیده • تیمهای کاری فراعملکردی • مهارتهای متکی بر دانش • تأکید بیشتر بر یادگیری		ماهیت کار: • یکنواخت • کار غیر ماهر • تخصص گرایی و وظایف

منبع:

Mary Jo Hatch. "organizational theory-modern, symbolic and postmodern perspective".
oxford university press. NewYork. 1997 (chap.2). pp.25-26.

سرعت تغییرات و تلاطم در سازمانهای فراصنعتی آنقدر زیاد است که نمی‌توان منحنی آن را رسم کرد. همین مسأله ایجاب می‌کند که رئیس از رئیس بودن خارج شود و به عنوان مربی^(۷) در کنار زیردستان قرار گیرد. دراکر در کتاب «رویکردهای نوین در مدیریت» (۱۰) به همین مسأله اشاره می‌کند و می‌گوید در سازمانهای جدید به جای واژه رئیس^(۸) بهتر است از «مسئول یا مشاور» استفاده کرد.

سه مرحله صنعتی شدن غرب از نظر بورنز (۱۱)

- ۱- مطابق نظریات بورنز^(۹)، اولین مرحله رشد استفاده از ماشینها برای توسعه کارآیی کار در سیستم کارخانه بود. در مرحله اول ماشینها تنها وظایف ساده و تکراری را انجام می‌دادند و وظایف پیچیده توسط انسانها انجام می‌شد.
 - ۲- در طی مرحله دوم توسعه صنعت از سال ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ شروع شد که در این مرحله، سیستم کارخانه به فرایندهای تولید پیچیده مثل تولید فولاد تبدیل شد. این رشد و افزایش پیچیدگی تکنیکی عملیات تولید، رشد موازی در سیستم سازمان اجتماعی و بروکراسی با تأکید آنها بر کنترل، یکنواختی و تخصص‌گرایی را ایجاب می‌کرد و این تغییرات باعث افزایش طبقه مدیران و کارکنان اداری می‌شد.
 - ۳- طبق نظریات بورنز در مرحله سوم توسعه صنعتی که هم اکنون در حال ظهور است تولید از تقاضای داخلی فراتر می‌رود. در این موقعیت وابستگی سازمانها، به رشد، ارتقای حساسیت، مصرف‌کننده، تکنیکهای جدید برای تخمین مصرف، بین‌المللی کردن شرکتها و به تکنیکهای جدید توسعه مانند تحقیق و توسعه (R & D) منجر می‌شود. این شرکتها باید به‌طور بین‌المللی فعال، و از نظر تکنیکی نوآور باشند. این مرحله به عنوان تعیین تغییر اساسی بزرگی از صنعتی به فراصنعتی تعبیر شده است.
- در شکل بعدی (شکل ۴) استعاره‌های نظریه سازمان در نگرشهای مختلف نشان داده شده است.

شکل (۴): استعاره‌های نظریه سازمان

نگرش	تأکید بر...	تصویر سازمان به عنوان...	تصویر مدیر به عنوان
دوره کلاسیک	ماشینی	ماشین به وسیله مدیریت برای رسیدن به اهداف از قبل تعیین، طراحی و ساختاردهی شده است.	مدیری که ساختمانها را طراحی، و ماشینهای سازمانی را اداره می کند.
مدرن	سازمان	سیستم زنده که عملیاتهای لازمی را انجام می دهد تا خود را با دنیای بیرون خردش مطابقت دهد و زنده بماند	قسمتی وابسته از سیستمی مناسب
سمبلیک	فرهنگ	الگویی از مفاهیم ایجاد، و به وسیله انسانها از طریق ارزشهای مشترک و سنتها نگهداری می شود.	شخص ماهر که همیشه باید سمبل سازمان باشد.
پست مدرن	هنر و تأکید بر مهارتها	نظریه سازمانی ترکیبی از مهارتها و فنون است که از اجزای دانشها و علوم جمع آوری می شود تا نگرش جدیدی را ایجاد کند که به گذشته اشاره دارد.	نظریه پرداز؛ نظریه پردازی که هنرمند است

منبع:

Mary Jo Hatch. "organizational theory-Modern, symbolic and postmodern perspective".
oxford university press. NewYork. 1997 (chap.2). p.52.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محیط در سازمانهای فراصنعتی

همانطور که می دانیم یکی از مفروضات اصلی مدرنیسم این بود که نظریه های مدرنیست فرض کند عدم اطمینان (محیط) نامطلوب و اجتناب ناپذیر است لذا سعی در کاهش عدم اطمینان محیطی داشتند.

اما در سازمانهای فراصنعتی، عدم اطمینان شکلی از یک شوک است؛ حالتی که باعث ایجاد نیروی زیاد برای سازمان می شود. تغییر محیطی حالتی ناراحت کننده نیست که باید از آن پرهیز شود بلکه تجربه ای مطلوب است که نشانه زندگی فراصنعتی است. پس وقتی با این دید به عدم اطمینان نگرسته شود، عدم اطمینان به عنوان برانگیزاننده و

جالب توجه مطرح، و با آن مخالفت کمتر می‌شود.

مورد دیگری که درباره محیط سازمانهای فراصنعتی وجود دارد این است که در آینده مرزهای سازمانها نامشخص خواهد بود. تکنولوژی کامپیوتر باعث خواهد شد که ده‌ها میلیون نفر از کارگران و کارمندان، مشاغل خود را در منزل انجام دهند. گفتیم که یکی از مفاهیم پست مدرنیسم برگشت به سنتهاست. قبل از انقلاب صنعتی کارها نوعاً در منزل انجام می‌شد. انقلاب صنعتی، اقتصاد کارخانه‌ای را ایجاد کرد بنابر این مردم در کارخانه‌ها تراکم پیدا کردند. قدم بعدی که ممکن است به وسیله تکنولوژی کامپیوتر صورت پذیرد، بازگشت به کارکردن در درون منزل است. حرکت به سمت «کارکردن در منزل» مستلزم این خواهد بود که تعاریف مجددی از اصطلاحاتی نظیر پیچیدگی و حیطه نظارت ارائه شود. کارکنان امور دفتری فعالیت‌های روزانه خود را خارج از عوامل فیزیکی سازمان در منزل انجام خواهند داد و کامپیوترهایی وجود خواهد داشت که به کمک آنها مدیریت می‌تواند فعالیت‌هایی را که کارکنان در منزل انجام می‌دهند نظارت کنند. بدین صورت که کامپیوترها ساعت حاضر شدن کارکنان پشت کامپیوترها، میزانی که در هر ساعت کار کرده‌اند و ساعاتی که کارکنان کار خود را تعطیل می‌کنند به مدیریت سازمان اعلام می‌کنند (۱۲).

به طور کلی محیط سازمانها دارای ابعاد زیر خواهد بود:

- حرکت از جامعه صنعتی به سوی جامعه اطلاعاتی

- حرکت از تکنولوژی نیروافزا به تکنولوژی دانش‌افزا

- حرکت از تمرکز به عدم تمرکز

- حرکت از کمیت به کیفیت

- حرکت از اقتصاد ملی به سوی اقتصاد جهانی

- حرکت از ساختارهای سلسله مراتبی به نظام شبکه‌ای

برای استفاده مؤثر از نظریه سازمان، مدیران نیاز دارند یاد بگیرند که مقداری ابهام را در نگرش‌هایشان بپذیرند. اینجاست که نظریه سازمانی پست مدرن راحت‌تر مورد

استفاده قرار می‌گیرد. پیام پست مدرن تفکر، صحبت و عمل کردن در آگاهی کامل است تا بدین وسیله خودتکایی به وجود آید.

تکنولوژی در سازمانهای فراصنعتی

در جامعه صنعتی و سازمانهای صنعتی دارای تولید انبوه و یکنواخت بودیم و ستاده‌ای که وجود داشت، ستاده تولیدی بود. اما در سازمانهای فراصنعتی تکنولوژی دارای ویژگیهای زیر است:

- تولید منعطف و اتوماتیک

- استفاده از کامپیوتر برای طراحی، تولید و کنترل موجودی

- تأکید بر سرعت و نوآوری

- سیستمهای (JIT) just in time (درست به موقع)

- ستاده ← اطلاعات، خدمات

یکی از مفاهیمی که در بیشتر نظریات پست مدرن و ویژگیهای سازمانهای فراصنعتی مطرح شده «تکنولوژی اطلاعاتی»^(۱۰) است.

رایزن می‌گوید که در آینده بسیار نزدیک ما شاهد خواهیم بود که سازمانها براساس شبکه اطلاعاتی خود ساختار بندی خواهند شد (۱۳)؛ برای مثال، سیستمهای اطلاعاتی باعث خواهد شد که ما در آینده سازمانهای تخت‌تر (مسطح‌تر) داشته باشیم؛ به این صورت که انقلاب اطلاعات، نیاز به مدیران میانی و واحدهای ستادی را برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و تعبیر و تفسیر داده برای مدیران ارشد اجرای کاهش خواهد داد.

واحدهای ستادی از ابتدا برای رفع مسائل و مشکلات ناشی از افزایش اندازه سازمانی، پیچیدگی مشکلات و نیاز به دانش تخصصی، ایجاد شد. اما در خیلی از سازمانها، کامپیوترها می‌توانند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات را سریعتر، با هزینه کمتر، صحت و دقت بیشتر انجام دهند و میزان اطلاعاتی بیش از آنچه پرسنل

ستادی می‌توانند، جمع‌آوری کنند. بدیهی است همه واحدهای ستادی برچیده نخواهند شد، اما واحدهایی که باقی می‌مانند برای توجیه فلسفه وجودی خود، پیوسته در فشار خواهند بود.

تکنولوژی باعث از بین رفتن مرزهای سازمان خواهد شد؛ زیرا تکنولوژی اطلاعاتی باعث خواهد شد که ده‌ها میلیون نفر از کارگران و کارمندان، مشاغل خود را در منزل انجام دهند.

نکته مهم دیگر در مورد تکنولوژی اطلاعات، رابطه بین اطلاعات و قدرت است. دراکر می‌گوید که در عصر فراصنعتی، قدرت از تبادل و انتقال اطلاعات برای تولید ناشی می‌شود و نه از مخفی کردن اطلاعات (۱۴).

پس داشتن اطلاعات فنی به خودی خود باعث قدرت می‌شود. اما طبق نظریات لیوتار نظریه پرداز پست مدرن، داشتن، اطلاعات زمانی قدرت محسوب می‌شود که کامل، و توسط تکنولوژی کامپیوتر تهیه شده باشد. منظور از اطلاعات کامل این است که جمع‌آوری اطلاعات بیشتر مزیتی ندارد، مزیت وقتی به وجود می‌آید که داده‌ها در روشهای جدید، مرتب و طبقه‌بندی شود؛ در این زمان است که اطلاعات کامل، توانایی به دست می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ساختار اجتماعی در سازمانهای فراصنعتی

ویژگیهای ساختارهای اجتماعی از نظر خانم ماری هج در سازمانهای فراصنعتی عبارت است از:

- سلسله مراتب مسطح با ارتباطات افقی همراه با مسئولیت پذیری مدیران
- تأمین منابع از بیرون^(۱۱) (اعم از منابع انسانی، تکنولوژی، سرمایه)
- روشهای غیررسمی کنترل (مشارکت، فرهنگ، ارتباطات)
- از دست دادن مرزها بین وظایف، واحدها، سازمانها
- گونه‌های جدید سازمانی (مانند سازمان شبکه‌ای و سازمانهای مجازی)

یکی از ساختارهایی که پست مدرنها برای سازمان ارائه می دهند ساختار شبکه‌ای با "Network Organization" است.

سازمان شبکه‌ای (۱۲)

شکلی نسبتاً جدید از سازمان، که در مقابل نظریات مدرنیستها مطرح می شود و مورد علاقه پست مدرنیستها برای سازمانهای فراصنعتی است، سازمان شبکه‌ای است.

سازمانهای شبکه‌ای تا حدودی ارتباطات عمودی و روابط کنترل را با روابط مورب (۱۳) درهم می آمیزد. بنابر این مشارکت در میان چندین سازمان، جایگزین وابستگیهای رسمی می شود که واحدهای سازمانی را به هم ربط می دهد. سازمانهای شبکه‌ای زمانی ایجاد می شود که سازمانها با تغییرات تکنولوژیکی سریع، چرخه عمر کوتاه مدت محصول و بازارهای تخصصی و متمایز شده، روبه‌رو می شوند.

در شبکه داراییهای مورد نیاز بین تشکیل دهندگان مختلف شبکه تقسیم می شوند؛ بنابر این تولیدکننده مستقلی وجود ندارد ولی در کل شبکه به عنوان تولیدکننده ارائه کننده خدمات مطرح است (یعنی شبکه‌ها به هم وابسته‌اند و استقلال فردی ندارند). سازمانهای شبکه‌ای می توانند نتیجه همکاری بین شرکتهای کوچک و یا دلیل تأمین منابع وسیع از بیرون باشند که به علت اندازه فعالیتشان توانایی رویارویی با رقیبان را در بازارهای بین‌المللی ندارند.

Outsourcing یا تأمین منابع از بیرون بدین معنی است که بسیاری از فعالیتهای هر سازمان پیچیده به بیرون از مرزهای سازمان انتقال می یابد.

سازمان بعضی اوقات فقط فعالیتهایی را خودش انجام می دهد که در آن مزیت نسبی (برتری نسبی) دارد و بقیه فعالیتهای آن را از سازمانهای بیرونی خریداری می کند.

خانم ماری هچ می گوید وقتی همه فعالیتهای مورد نیاز از بیرون تأمین شد شما «سازمانی مجازی» (۱۴) خواهید داشت که یکی دیگر از گونه‌های سازمانی است که پست مدرنیستها بر آن تأکید دارند؛ برای مثال بتن (۱۵) یک مورد از سازمانهای شبکه‌ای است که دربرگیرنده صدها تولیدکننده کوچک لباس و هزاران حق امتیاز فروش در

بازارهاست که حول و حوش کانال توزیعی مرکزی قرار گرفته‌اند و دارای سیستم اطلاعاتی و کنترلی مشترکی هستند (۱۵). بسیاری از تولیدکنندگان در داخل شبکه بتن در زمینه فعالیت اصلی بتن فعالیت می‌کردند، در حالی که عده دیگری به این دلیل که اندازه کوچک آنها مانع از ورود آنها به بازارهای روز بین‌المللی می‌شد به شبکه پیوستند. علاوه بر مدیریت کانالهای توزیعی (که قسمتی از شبکه بودند) بتن تخصصهای فنی تولید، بسیاری از تجهیزات مورد نیاز و بعضی مواقع سرمایه و تلاشهای اداره بازار برای شبکه را از بیرون فراهم می‌کند.

در داخل ساختار شبکه، شریکان به وسیله روابط مشتری - عرضه کننده به هم وصل بودند که شبیه سیستم بازار آزاد اقتصادی عمل می‌کرد؛ یعنی کالاها بین شرکا مثل بازار باز^(۱۶) خریداری و فروخته می‌شد. در این روش استفاده از روشهای بازار برای هماهنگ کردن فعالیتها، نیاز به سلسله مراتب عمودی سازمانهای سنتی را از بین می‌برد و سربار اداری را کاهش می‌دهد. از مزایای دیگر شبکه‌ها این است که شبکه‌ها تسهیم اطلاعات را تشویق می‌کنند؛ تصمیم‌گیری را سریع می‌کنند؛ نوآوری را افزایش، و مبادله اطلاعات را سرعت می‌دهند. مبادله سریع اطلاعات شبکه‌ها را قادر می‌سازد تا فرصتها را قبل از اینکه رقیبان غیرشبکه‌ای از آنها باخبر شوند، کشف کنند. دراکر درباره شکل ساختار سازمانی می‌گوید:

شرکتها در آغاز پیدایش خود شبیه اهرام بودند اما امروز بیشتر شبیه چادر هستند؛ فردا ممکن است وجود نداشته باشند و یا در بحران به سر برند. او می‌گوید حتی مفروضات ذهنی مدیران نیز در این مورد عوض شده است. دراکر بیان می‌کند وقتی ۱۵ تا ۲۰ سال پیش مشغول تدریس مدیران سطوح بالای سازمانها بود سؤال اصلی این افراد عبارت بود از «چگونه می‌توانیم خودمان را برای ارتقا به شغل جدید آماده کنیم؟» (تأکید بر سلسله مراتب عمودی). اما امروزه سؤال همین مدیران این است «چه چیزهایی باید یاد بگیریم تا بتوانیم تصمیم بگیریم که بعد از اینجا به کجا برویم؟» (۱۶).

ساختارها فیزیکی در پست مدرنیسم

معماری پست مدرن بر اساس تنوع، دگرگونی و تفاوت ایجاد می‌شود و اساس آن جدایی شکل از کارکرد است. «استفاده از تزیینات» که در معماری پست مدرن رایج است، در معماری مدرن گناهی نابخشودنی به حساب می‌آید. در معماری پست مدرن، ذهن آفریننده، جای خود را به نسبت متقابل معمار - استفاده کننده از بنا می‌دهد. در معماری مدرن، معمار کاری می‌کند سخت حرفه‌ای، دقیق و تکنیکی. اما در معماری پست مدرن، معمار نمی‌تواند بدون ارتباط دائمی با استفاده کننده از بنا، کار کند. انتقادهای اخیر از نظریه اجتماعی به وسیله جغرافیدانان نئومارکسیستها و پست مدرنیستها مانند هنری لیبور، دیوید هاری و ادوارد سو جا بر بحثهای «فضا و مکان» در نظریه‌های روابط اجتماعی تمرکز دارد. این منتقدان از نظریه پردازان اجتماعی مانند کارل مارکس، امیل دورکهایم و ماکس وبر به دلیل چشمپوشی از «فضا و مکان» برای تعیین نظریه‌های آنها درباره فرایندهای اجتماعی مؤسسات شکایت می‌کنند. جرج هومنز نقد مشابهی را علیه نظریه پردازان سازمان که مطالعات هائورن را تفسیر کرده‌اند، مطرح کرده است که در آن شواهد بر این اساس است که جنبه‌های اجتماعی سازماندهی بر جنبه فیزیکی آن غالب شده است.

موضوع بحث در اینجا ارتباط بین ساختار فیزیکی و ساختار اجتماعی است. منتقدان پست مدرنیسم مانند هومنز اظهار می‌کنند که ساختارهای اجتماعی، مکان و فضای ساختمان را آماده و سازماندهی می‌کنند و تأثیرات این مکانهای ساختمان سپس به روابط اجتماعی برمی‌گردد، بنابر این ساختارهای فیزیکی و اجتماعی با همدیگر ارتباط دارند.

درک گریگوری جغرافیدان انسانی انگلیس ادعا می‌کند که «ساختارهای اجتماعی بدون ساختارهای فضایی^(۱۷) نمی‌تواند کار آزموده و ورزیده شود و بالعکس».

هانریخ کلوتر مدیر قبلی موزه معماری آلمان درباره معماری مدرنیسم می‌گوید برای دهه‌های متمادی معماری عبارت بود از جنبه‌های ساختاری سازمان و ارزشهای

عملکردی در موقعیت اقتصادی و بهینه‌سازی که هدف اصلی کسب سود بود (۱۷). اما در معماری پست مدرن فضای ساختمان به‌طور اجتماعی یک هدف ترکیب شده است که شکل‌های نمادین را با دیگر امور فرهنگی ترکیب می‌کند که به‌طور مشابه می‌تواند هر مفهوم معنی‌دار یا ایدئولوژیکی را انتقال دهد؛ مثل ساختمان مرکزی والت دیسنی که شخصیت‌های کارتونی را در مقیاس بزرگ نمایش می‌دهد.

نکته مهم دیگری میان معماری مدرن و معماری پست مدرن این است که معماری مدرن می‌کوشد که به‌گونه‌ای مطلق از گذشته و به شکل کامل و قطعی از سنتها بگسلد. او بنا به حکم قدیمی مدرنیته، کاری جز دل‌کندن از سنت نمی‌یابد. او می‌کوشد تا قاعده‌های پیشامدرن معماری را فراموش کند و حداکثر برای آنها ارزش تاریخی محدودی قائل شود. اما معماری پست مدرن به شکل‌های کهنه و انواع تجربه‌های متمایز تاریخی دل‌بسته است و شماری از آنها را بی‌هراس از ناهمخوانیها به یک بنا راه می‌دهد. تنوع نه تنها در یک بنا و ساختار فیزیکی، بلکه در مجموعه کارهای معماری پست مدرن حاکم است.

نتیجه‌گیری

پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که آینده ما در سازمانهای کوچک، خیلی غیرمتمرکز، غیررسمی و منعطف، که به‌طور برجسته بر خدمات یا اطلاعات‌گرایی متکی هستند خواهد بود و از استراتژیهای تولید اتوماتیک و تکنولوژی متکی بر کامپیوتر پیروی خواهد کرد. در نتیجه این تغییرات، سازمانهای انتخاب شده، مشارکتی و خیلی انطباق‌پذیر را تجزیه خواهیم کرد با مفهومی که اعضای سازمانها با تضاد و تناقض و ابهام زیاد روبه‌رو خواهند شد. این موضوعها با فلسفه پست مدرنیسم ترکیب شده است که پیشنهاد می‌کند، دیدگاه پست مدرن به سازمانها کمک می‌کند تا با تغییرات قبل از اینکه روی دهد، مطابقت پیدا کنند و افزایش تنوع و گوناگونی باعث خواهد شد تا افراد در سازمانها تصورشان را نسبت به خود به عنوان شخصیتی ثابت، ویران کنند. نکته آخر

اینکه در این میان نباید از نکات مثبت و منفی پست‌مدرن غافل شد، چون پست‌مدرن تحولی فکری است نه کالا یا تکنولوژی و پیروی از آن خالی از اشکال نخواهد بود، زیرا اندیشه فلسفه برخلاف علم دارای تاریخ، و مبتنی بر سنتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

یادداشتها

- | | |
|-----------------------|------------------------------|
| 1- Entzauberung | 9- Burns |
| 2- Postmodern | 10- Informational Technology |
| 3- Tele Working | 11- Outsourcing |
| 4- Tele Communication | 12- Network Organization |
| 5- Post-Industrial | 13- Lateral |
| 6- Megatrends | 14- Virtual Organization |
| 7- Coch | 15- Bentten |
| 8- Boss | 16- Open Marker |
| | 17- Spatial |

منابع و مأخذ

- ۱- تافلر، الوین. «موج سوم». ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۴، ص ۲۱
- ۲- جیروند، عبدالله. «توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)». تهران: انتشارات سهند، ۱۳۷۳، ص ۷۴-۷۷
- ۳- احمدی، بابک. «مدرنیته و اندیشه‌های انتقادی». تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۳۰
- ۴- تافلر، الوین. «موج سوم». ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۴، ص ۶۳-۸۴
- 5- Mary Jo Hatch. "organizational theory-modern, symbolic and postmodern perspective", Oxford university press. NewYork. 1997 (chap.2). p.43.
- 6- Mary Jo Hatch. "organizational theory-modern, symbolic and postmodern perspective", Oxford university press. NewYork. 1997 (chap.1). p.5.
- 7- Mary Jo Hatch. (chap.2). p.44.
- ۸- انسلف، اچ. ایگور؛ ادوارد جی. مک دانل. «استقرار مدیریت استراتژیک». ترجمه عبدالله زندیه، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۴۵
- 9- Mary Jo Hatch. (chap.2). p.24.
- ۱۰- کیانی، غلامرضا. «مدیریت عالی در عصر فرا- سرمایه‌داری». در: رویکردهای نوین در مدیریت. تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۷، ص ۵۳
- 11- Mary Jo Hatch. (chap.2). pp.22-23.

- ۱۲- رابینز، استیفن. «تئوری سازمان، ساختار، طراحی، کاربردها». ترجمه دکتر سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: نشر موج، ۱۳۷۶، ص ۴۲۰
- ۱۳- رابینز، استیفن. «تئوری سازمان، ساختار طراحی، کاربردها». ترجمه دکتر سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: نشر موج، ۱۳۷۶، ص ۴۱۸
- ۱۴- کیانی، غلامرضا. «مدیریت عالی در عصر فرا - سرمایه داری». در: رویکردهای نوین در مدیریت. تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۷، ص ۵۰
- 15- Mary Jo Hatch. "organizational theory-modern, symbolic and postmodern perspective", Oxford university press. NewYork. 1997 (chap.6). p.191.
- ۱۶- کیانی، غلامرضا. «مدیریت عالی در عصر فردا - سرمایه داری». در: رویکردهای نوین در مدیریت. تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۷، ص ۴۱
- 17- Mary Jo Hatch. "organizational theory-modern, symbolic and postmodern perspective", Oxford university press. NewYork. 1997 (chap.8). pp.260-261.
- ۱۸- گنجی، اکبر. «سنت، مدرنیته، پست مدرن». تهران: انتشارات طلوع آزادی، ۱۳۷۵
- ۱۹- تافلر، الوین. «ورقهای آینده». تهران: انتشارات بهنشر، ۱۳۷۴
- ۲۰- دکتر عضدانلو، حمید. «کانت - مدرنیته و فرامدرنیته». مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هشتم، شماره ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳
- ۲۱- دکتر عضدانلو، حمید. «مناظره مدرنیته و فرامدرنیته». مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۳
- ۲۲- «خروش موج سوم: گفت و شنودی با الوین و هایدی تافلر». مجله نگاه نو، ۱۹۶۵، ۱۹
- ۲۳- هابرماس: یورگن. «مدرنیته در مقابل پس - مدرنیته». ترجمه شاهرخ حقیقی، مجله کلک، شماره ۵۱ و ۵۲
- ۲۴- وقفی پور، شهریار. «هابرماس و گرفتاریهای پست مدرنها». مجله آینه، شماره ۱۱۵، بهمن ۱۳۷۵
- ۲۵- طباطبایی، سیدجواد. «پست مدرن». مجله راه نو، شماره ۸، خرداد ۱۳۷۷
- ۲۶- «پست مدرنیسم و معرفت شناسی. هرج و مرج طلبانه». روزنامه همشهری، ۱۲-۱۳/۵/۷۶





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی